



اولین همایش بین‌المللی و جشنواره کشوری اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی

به آثار پذیرفته شده گواهی کسب رتبه کشوری از
سوی آموزش و پرورش مسجدسلیمان تعلق می‌گیرد.

www.khzconf.ir

۱. مقدمه

در منظومه پویای آموزش و پرورش معاصر، تعالی و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان به‌مثابه یک اصل کلیدی و بی‌بدیل تلقی می‌شود. این فرآیند فراتر از قلمرو تنگ و محدود پیشرفت‌های صرفاً تحصیلی و اکتساب دانش است و ابعاد حیاتی دیگری همچون سلامت روانی، ثبات عاطفی و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد [1]. با این حال، در این مسیر پرفرازونشیب، برخی از دانش‌آموزان با چالش‌های منحصر به فردی روبرو می‌شوند که نیازمند توجه ویژه و مداخلات هدفمند است تا بتوانند به‌طور کامل توانایی‌های بالقوه خود را شکوفا سازند و در مسیر رشد طبیعی خود گام بردارند. یکی از این چالش‌های عمیق و تأثیرگذار، اختلال گفتاری لکنت زبان است [2]. لکنت زبان به‌عنوان یک اختلال گفتاری می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر زندگی فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان داشته باشد. این اختلال، نه تنها بر جنبه‌های گفتاری و زبانی فرد، بلکه بر تمامی ابعاد زندگی او، از جمله عزت نفس، تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی، سایه می‌افکند. لکنت زبان، یک اختلال گفتاری پیچیده است که در آن فرد در تولید روان و سلیس صداها، هجاها یا کلمات با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود [3]. این مشکل می‌تواند به‌صورت تکرار صداها، کشیدن صداها، مکث‌های طولانی یا بلوکه شدن در حین صحبت کردن خود را نشان دهد. بر اساس یافته‌های علمی، لکنت زبان یک اختلال چندعاملی است که علل دقیق آن هنوز به‌طور کامل شناخته نشده، اما عوامل متعددی در بروز یا تشدید آن نقش دارند. عواملی نظیر ژنتیک (لکنت زبان اغلب در خانواده‌ها دیده می‌شود که نشان‌دهنده نقش عوامل ارثی است)، عوامل عصبی (اختلالات در عملکرد مغز به‌ویژه در مناطقی که مسئول کنترل گفتار هستند می‌تواند باعث لکنت شود) و عوامل محیطی (استرس، فشارهای روانی، تغییرات در محیط زندگی و سرعت بالای گفتار) در ایجاد یا تشدید آن نقش دارند. این اختلال گفتاری تنها یک مسئله فیزیولوژیکی و زبانی نیست، بلکه می‌تواند عواقب روانشناختی و اجتماعی عمیق و ماندگاری برای فرد به همراه داشته باشد [4]. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که دانش‌آموزان دارای لکنت زبان با آن مواجه هستند، کاهش اعتماد به نفس است. این کاهش اعتماد به نفس می‌تواند منجر به اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی، کاهش عملکرد تحصیلی و در نهایت ایجاد مشکلات عاطفی و روانی شود. کودکانی که عزت نفس پایینی دارند، اغلب به انزوا و گوشه‌گیری روی می‌آورند و به دلیل عدم خودباوری، سعی می‌کنند در تنهایی خودشان غرق شوند و با دیگران ارتباط برقرار نکنند [5]. از آنجایی که لکنت زبان یک اختلال چندعاملی است، درمان آن نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی است. این رویکرد باید نه تنها بر بهبود گفتار، بلکه بر تقویت ابعاد روانشناختی و اجتماعی فرد نیز تمرکز کند [6]. پژوهش حاضر، با تمرکز بر یک دانش‌آموز کلاس سوم ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، به بررسی عمیق و همه‌جانبه چالش‌های ناشی از لکنت زبان در محیط مدرسه و خانواده می‌پردازد. پژوهشگر، به‌عنوان معاون آموزشی دوره اول این مدرسه، با مشاهده دقیق و پیگیرانه رفتار یک دانش‌آموز خاص، به وجود مشکلات جدی در زمینه اعتماد به نفس و روابط اجتماعی وی پی برد. هدف اصلی این پژوهش، طراحی، اجرا و ارزیابی اثربخشی مداخلاتی جامع و هدفمند است که بتواند اعتماد به نفس، مهارت‌های ارتباطی و مشارکت اجتماعی این دانش‌آموز را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. این تحقیق با این پرسش محوری آغاز شده است که چگونه می‌توان با استفاده از روش‌های درمانی و حمایتی مختلف، اعتماد به نفس دانش‌آموزی را که با چالش لکنت زبان مواجه است، افزایش داد و به او کمک کرد تا از انزوای خود خارج شود و با موفقیت در محیط‌های اجتماعی و تحصیلی خود مشارکت کند. این پژوهش با این هدف طراحی و اجرا شده که به‌طور قابل توجهی اعتماد به نفس دانش‌آموز را افزایش داده و کیفیت زندگی او را بهبود بخشد. در ادامه، این پژوهش به بررسی ادبیات موجود در زمینه لکنت زبان و تأثیر آن بر اعتماد به نفس می‌پردازد و سپس، روش‌های مختلف مداخله‌ای که برای افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دارای لکنت زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند، مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت نتایج این پژوهش و پیشنهادهای برای تحقیقات آتی ارائه خواهد شد.



۲. بیان مسئله

مشکل اصلی و قانونی این اقدام پژوهی، فقدان شدید اعتماد به نفس و روابط اجتماعی ضعیف در یک دانش‌آموز کلاس سوم دبستان به دلیل اختلال لکنت زبان است. این دانش‌آموز که در این پژوهش با نماد آ شناخته می‌شود، از نظر تحصیلی دارای توانایی‌های بسیار بالایی است و در امتحانات کتبی عملکردی عالی از خود نشان می‌دهد. با این حال، هنگام صحبت کردن و پاسخ دادن به سؤالات شفاهی در کلاس، دچار اضطراب شدید و سکوت می‌شود و تمایلی به مشارکت در بحث‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی ندارد. این وضعیت، او را در محیط مدرسه به یک دانش‌آموز منزوی، کم‌تحرک و گوشه‌گیر تبدیل کرده است. ناتوانی او در بیان خواسته‌ها و مشکلات خود به‌طور مستقیم، حتی در مواردی که توسط هم‌سالان مورد آزار قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده عمق و پیچیدگی این مشکل است. این پژوهش به دنبال یافتن راهکارهایی است که بتواند به این دانش‌آموز کمک کند تا با غلبه بر ترس‌های درونی خود، اعتماد به نفس بیشتری در محیط مدرسه و جامعه پیدا کند و با موفقیت در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت نماید.

در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، دانش‌آموز آ در کلاس سوم ابتدایی، نمونه‌ای بارز از تأثیرات مخرب لکنت زبان بر ابعاد غیر گفتاری زندگی است. او دانش‌آموزی است که از هوش و استعداد بالایی برخوردار بوده و در درس‌های کتبی همواره نمرات ممتاز کسب می‌کند؛ اما در مقابل، در هر موقعیتی که نیازمند صحبت کردن و تعامل کلامی است، رفتاری کاملاً متفاوت از خود نشان می‌دهد. این تناقض در عملکرد او، از یک‌سو توانمندی‌های بالقوه و از سوی دیگر موانع عمیق روانی و اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. مشکل اصلی از آنجا ناشی می‌شود که لکنت زبان او، تنها به یک نقص در گفتار محدود نشده، بلکه به یک اختلال ثانویه در حوزه روانشناختی تبدیل شده است. این اختلال ثانویه، شامل ترس از صحبت کردن، اضطراب اجتماعی و عزت‌نفس پایین است که به نوبه خود، لکنت او را تشدید می‌کند و یک چرخه معیوب را شکل می‌دهد.

مشاهدات دقیق در کلاس درس و حیاط مدرسه نشان می‌دهد که این دانش‌آموز از مشارکت در فعالیت‌های گروهی اجتناب می‌کند، در مراسم صبحگاه شرکت نمی‌کند و حتی از پاسخ دادن به سؤالات ساده شفاهی سر باز می‌زند. معلم کلاس گزارش می‌دهد که در هنگام روخوانی درس، دانش‌آموز کتاب را به‌صورت خود نزدیک می‌کند و با صدایی بسیار آرام و نامفهوم صحبت می‌کند تا لکنت خود را پنهان سازد. این رفتارها نشان‌دهنده یک مکانیسم دفاعی است که برای فرار از قضاوت و تمسخر احتمالی شکل گرفته است. در یکی از موارد اخیر، زمانی که دانش‌آموز توسط هم‌کلاسی‌اش مورد آزار قرار گرفت، به جای اینکه مستقیم به معلم خود اطلاع دهد، از دوست صمیمی‌اش خواست تا مشکل را به معلم منتقل کند. این رفتار نشان‌دهنده عدم توانایی در بیان مشکلات و دفاع از خود است که ریشه در فقدان اعتماد به نفس و ترس از واکنش‌های منفی دیگران دارد.

بررسی‌های انجام‌شده با والدین دانش‌آموز، ابعاد جدیدی از این مشکل را آشکار ساخت. مادر دانش‌آموز اظهار داشت که او در سه‌سالگی به دلیل یک حادثه، دچار لکنت زبان شده و مدتی تحت درمان گفتاردرمانی بوده، اما به دلیل عدم پیگیری، درمان او متوقف شده است. این توقف درمان، فرصت طلایی برای بهبود لکنت در سنین پایین را از او گرفته و باعث شده است که مشکل او در طول سال‌ها تثبیت شود. همچنین، صحبت با معلم سال گذشته‌ی دانش‌آموز، ریشه این ترس و انزوای اجتماعی را روشن‌تر کرد. معلم گزارش داد که دانش‌آموز در سال قبل توسط یکی از هم‌کلاسی‌هایش مورد تمسخر قرار گرفته و از آن روز به بعد تمایل خود را به صحبت و مشارکت از دست داده است. این اتفاق، به‌عنوان یک تجربه تروماتیک، باعث شده که دانش‌آموز آ هرگونه تعامل کلامی را با خطر تمسخر و تحقیر پیوند دهد و به تدریج به سکوت و انزوا روی آورد.